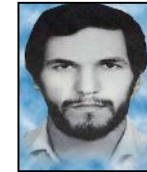


روایت است از پیامبر اکرم صلوات الله علیه و اله و سلم ..

من بکی او ابکی او تبکی و جبت له الجنة .

هر که بر حسینم بگرید یا بگریاند یا خود را تکلیف به گریه دارد بهشت بر او واجب میشود.

فراری از وصیت نامه شهید غلامرضا طالب کارمند دانشگاه فردوسی



الحمد لله الذی هدانا لهذا و ما كنا لنهتدی لولا ان

هدانا لله لقد جائت رسل ربنا بالحق.

شهادت رمز پیروزی اسلام است و آرزوی هر مسلمان مومن .

همه دریافته ایم که تا روزی که این ملت در راه خدا

شهید بدهد بیمه خواهد بود و باید از آن روزی بترسیم

که شهیدی در راه اسلام و قران نداشته باشیم. این حقیر خود را لایق این همه لطف و مرحمت خدا نمی دانم که شهید شوم... دوری از مظاهر مادی و تعلقات آن مرا خوشحال کرده است... اگر چه فشاری که بر روح می آید بواسطه بودن در این قالب مادی طاقت فرساست و این محدودیت مرا رنج می دهد لیکن یاد خدا به من آرامش می بخشد که الا بذكر الله... تطمئن القلوب. خدایا چه گمراه بودم که تو را نشناخته بودم و بواسطه دوری از تو چه ستمها بر خود روا داشتم ، خدایا ترا در دل به عظمت و بزرگی یاد می کنم . درود تو بر محمد (ص) و آل محمد (ص) ، خدایا بحق انبیا و اولیائت و خاصان و مقربانت نور معرفت و عشق به خودت را در دل ما روشن کن ، خدا این حجاب منیت و خود پرستی را خودت محو کن.

گفت : برفکن این پرده پندار را

تا به چشم یار بینی یار را

خدایا پیامبرت به عیادت و دلداری کسی رفت که هر گونه آزار را بر او روا می داشت ، آیا روا نیست که حجت بر ما که به عشق اسلام اینجا گرد آمده ایم نظر لطفی کند و ما را لایق دیدارش بداند...؟! شهید غلامرضا طالب

پیامک محرم

- ❖ باز محرم رسید، ماه عزای حسین سینه ی ما می شود، کرب و بلا ی حسین کاش که ترکم شود غفلت و جرم و گناه تا که بگیرم صفا، من ز صفای حسین عاشورا هر روز در کربلای دلمان اتفاق می افتد.
- ❖ کوشش کنیم حسین دل، به دست بزیذ نفس، تشنه لب شهید نشود.
- ❖ دیباچه ی عشق و عاشقی باز شود دل ها همه آماده ی پرواز شود با بوی محرم الحرام تو حسین ایام عزا و غصه آغاز شود السلام عليك يا ابا عبدالله

❖ امام حسین -ع:

قیام و انقلاب من نه از روی خودخواهی و خوشگذرانی و فساد و ظلم است، بلکه من در پی اصلاح امت جدم و برپایی امر به معروف و نهی از منکر هستم.

آخرین خطبه

امام حسین علیه السلام در آخرین خطبه خود با بیانی بلیغ و رسا دشمنان را از مغرور شدن به دنیا و به آن بر حذر داشت، و از نوشته مورخان چنین بر می آید آن حضرت به فاصله کوتاهی پس از ایراد این خطبه پر شور به شهادت رسید، و آن خطبه چنین است:

عباد الله اتقوا الله و كونوا من الدنيا على حذر فان الدنيا لو بقیت لاحد و بقى عليها احد لكانت الانبياء احق بالبقاء و اولى بالرضا و ارضى بالقضاء، غير ان الله تعالى خلق الدنيا للبالأ و خلق اهلها للنفأ، فجديدها بال و نعيمها مضمحل و سرورها مكفهر و المنزل بلغة و الدار قلعة، فتزودوا فان خير الزاد التقوى و اتقوا الله لعلكم تفلحون.

ای بندگان خدا! تقوای خدا پیشته سازید و از دنیا حذر کنید، اگر دنیا برای کسی باقی می ماند و کسی در دنیا جاویدان بود انبیای الهی سزوارترین مردم به بقا و اولى به رضا و خشنودی و راضی تر به قضاء الهی بودند، ولی خدای تعالی دنیا را برای بلا و آزمایش آفریده است و اهل آن را برای فنا خلق فرموده، هر چیز نو و جدید آن کهنه می شود و نعمت های آن از بین می رود و سرور آن به تلخی مبدل گردد؛ دنیا منزل ماندن نیست بلکه محل توشه بر گرفتن است، پس توشه بگیرید که بهترین توشه ها تقوی است و تقوای خدا را پیشه سازید تا رستگار شوید.

حسن ختام

پیام عاشورایی حسین زمان ، مهدی موعود روحی و ارواحنا له الفداء در فریاد رسی به مردم مظلوم غزه :

هیهات منا الذله

منتظر نظرات شما عزیزان هستیم .

پایگاه مقاومت بسیج شهید مطهری

www.k-basij.blogfa.com

basij-k@wali.um.ac.ir



اندیشه مطهر

شماره 27

پایگاه مقاومت شهید مطهری

دانشگاه فردوسی

دیماه 87



السلام عليك يا ابا عبدالله الحسين

این نشریه دارای اسامی متبرکه می باشد در حفظ و نگه داری آن کوشا باشید .

« ای پروردگار من،

بر قضا و حکم تو صبر پیشه می سازم.

ای فریادرس داد خواهان!

خدایی جز تو نیست.

پروردگار و معبودی غیر از تو ندارم.

بر حکم تو صبر می کنم.

ای فریادرس کسی که جز تو فریادرسی ندارد،

ای کسی که ابدی است و مردگان را زنده می کند!

ای آگاه و شاهد بر تمام کردار و افعال مخلوقات خود!

میان من و این گروه حکم کن که تو بهترین حاکمی.».

(امام حسین علیه السلام در آخرین لحظات عمر شریفش)

استاد شهید مطهری

مردم کوفه عامل اصلی حرکت امام حسین نبوده اند / رهبر کسی

است که مردم را به دنبال خودش حرکت می دهد.

...شاید در بعضی کتابها خوانده باشید مخصوصا در این کتابهای به اصطلاح تاریخی که به دست بچه های مدرسه می دهند. می نویسند که در سال شصتم هجرت، معاویه مرد، بعد مردم کوفه از امام حسین دعوت کردند که آن حضرت را به خلافت انتخاب کنند. امام حسین به کوفه آمد، مردم کوفه غداری و بی وفایی کردند، ایشان را یاری نکردند، امام حسین کشته شد!...انسان وقتی این تاریخها را می خواند فکر می کند امام حسین مردی بود که در خانه خودش راحت نشسته بود، کاری به کار کسی نداشت و درباره هیچ موضوعی هم فکر نمی کرد، تنها چیزی که امام را از جا حرکت داد، دعوت مردم کوفه بود! در صورتی که امام حسین در آخر ماه رجب که اوایل حکومت یزید بود، برای امتناع از بیعت از مدینه خارج می شود و چون مکه، حرم امن الهی است و در آنجا امنیت بیشتری وجود دارد و مردم مسلمان وحی را داشت.

حضرت فردای آنروز از مدینه بیرون آمد و از همان شاهراه نه از بی راهه به طرف مکه رفت. بعضی از همراهان عرض کردند: یا بن رسول الله! لو تکبت الطريق الا عظم بهتر است شما از شاهراه نروید، ممکن است مامورین حکومت، شما را برگردانند، مزاحمت ایجاد کنند، زد و خوردی صورت گیرد. (یک روح شجاع)، یک روح قوی هرگز حاضر نیست چنین کاری کند. فرمود: من دوست ندارم شکل یک آدم یابی و فراری را به خود بگیرم، از همین شاهراه می روم، هر چه خدا بخواهد همان خواهد شد در ماه رجب و شعبان که ایام عمره است، مردم از اطراف و اکناف به مکه می آیند و بهتر می توان آنها را ارشاد کرد و آگاهی داد. موسم حج فراهم می رسد که فرصت مناسبتری برای تبلیغ است....

ادامه صفحه بعد



بعد از حدود دو ماه نامه های مردم کوفه می رسد. نامه های مردم کوفه به مدینه نیامده، و امام حسین نهضتش را از مدینه شروع کرده است. نامه های مردم کوفه در مکه به دست امام حسین رسید، یعنی وقتی که امام تصمیم خود را بر امتناع از بیعت گرفته بود و همین تصمیم، خطری بزرگ برای او به وجود آورده بود. (خود امام و همه می دانستند که نه اینها از بیعت گرفتن دست بر می دارند و نه امام حاضر به بیعت است) بنابر این دعوت مردم کوفه عامل اصلی در این نهضت نبود بلکه عامل فرعی بود، و حداکثر تاثیری که برای دعوت مردم کوفه می توان قائل شد این است که این دعوت از نظر مردم و قضاوت تاریخ در آینده فرصت به ظاهر مناسبی برای امام به وجود آورد. ... تاریخ می نویسد: محمد ابن حنفیه برادر امام در آن موقع دستش فلج شده بود، معیوب بود، قدرت بر جهاد نداشت و لهذا شرکت نکرد. امام وصیتنامه ای می نویسد و آن را به او می سپارد: «هذا ما اوصی به الحسین بن علی اخاه محمدا المعروف بابن الحنفیه». در اینجا امام جمله هایی دارد: حسین به یگانگی خدا، به رسالت پیغمبر شهادت می دهد. (چون امام می دانست که بعد عده ای خواهند گفت حسین از دین جدش خارج شده است). تا آنجا که راز قیام خود را بیان می کند:

«انی ما خرجت اشرا و لا بطرا و لا مفسدا و لا ظالما انما خرجت لطلب الاصلاح فی امه جدی، ارید ان امر بالمعروف و انهی عن المنکر و اسیر بسیره جدی و ابی علی بن ابی طالب علیه السلام»

... دیگر در اینجا مسئله دعوت اهل کوفه وجود ندارد. حتی مسئله امتناع از بیعت را هم مطرح نمی کند. یعنی غیر از مسئله بیعت خواستن و امتناع من از بیعت، مسئله دیگری وجود دارد. اینها اگر از من بیعت هم نخواهند، ساکت نخواهم نشست. مردم دنیا بدانند: «ما خرجت اشرا و لا بطرا»، **حسین بن علی، طالب جاه نبود، طالب مقام و ثروت نبود، مردم مفسد و اخلا لگری نبود، ظالم و ستمگر نبود، او یک انسان مصلح بود.** «و لا مفسدا و لا ظالما انما خرجت لطلب الاصلاح فی امه جدی»

... «الا و ان الدعی بن الدعی قد رکز بین اثنتین بین السله و الذله، و هیهات منا الذله یابی الله ذلک لنا و رسوله و المومنون و حجور طالبت و طهرت»...

سوره والفجر و امام حسین علیه السلام

امام صادق علیه السلام فرمود: سوره والفجر را در نوافل و فرائض خودتان بخوانید که سوره جدم حسین بن علی است. عرض کردند: به چه مناسبتی جد شماست؟

فرود: آن آیات آخر سوره والفجر مصداقش حسین است، آنجا که می فرماید: یا ایته النفس المطمئنه ارجعی الی ربک راضیه مرضیه، فادخلی فی عبادی وادخلی جنتی.... آخرین سخن ابا عبدالله که از وجود مقدسش شنیدند یعنی مقارن با آخرین مقاومتش، مقارب با آن لحظه ای که دیگر مقاومتش پایان پذیرفته بود، یعنی لحظه سقوط از مرکب به روی زمین افتد، این است: این آهنگ از زبان مبارکش شنیده می شود که فرمود: رضی بقضائک و تسلیما لامرک لا معبود سواک یا غیاث المستغیثین.

علت قیام امام حسین علیه السلام

امر به معروف و نهی از منکر وظیفه ی تمام انبیا در طول تاریخ است. (لقد بعثنا فی کل امه رسولا ان اعبدوا الله و اجتنبوا الطاغوت)

امام حسین (ع) درباره ی علت قیام خود فرمودند: مگر نمی بینید که به حق عمل نمی شود و از باطل جلوگیری نمی شود. من بنا دارم (هر چند با شهادت و ریختن خونم باشد) امر به معروف و نهی از منکر کنم. ((اثنی ارید ان امر بالمعروف...))، آری، امر به معروف و نهی از منکر مراحل دارد که در بعضی مراحل باید تا شهادت پیش رفت. چنانکه خون های مقدسی در راه آن ریخته شده است. (و یقتلون الذین یأمرون بالقسط). توجیهات نایجا بعضی برای سکوت خود توجیهاتی دارند و کلماتی را می گویند از قبیل: کار از کار گذشته است.

با یک گل بهار نمی شود.

ما و او را در یک قبر نمی گذارند.

عیسی به دین خود، موسی به دین خود.

دیگران هستند، به ما چه ربطی دارد.

در زندگی شخصی افراد دخالت ممنوع است.

نایم قطع شده و مردم از من رنجیده می شوند.

خجالت می کشم و با او رودرواسی دارم.

ولی قیام امام حسین (ع) ثابت کرد که با یک حرکت خالصانه، می توان تاریخ را متحول کرد و با یک گل بهار می شود. ما باید با طاغوت ها مبارزه کنیم، زیر پا و سم اسب پیرویم ولی زیر بار زور نرویم. سر به نیزه دهیم ولی در برابر ظلم سر خم نکنیم و نباید تصوّر کنیم که آثار امر به معروف و نهی از منکر فوری است، زیرا گاهی آثار یک کلام یا قیام و حرکت، بعد از سال ها جلوه می کند.

از بارزترین عناصر و وجوه قیام عاشورا امر به معروف و نهی از منکر است.

امام در دوم محرم الحرام سال 61 هجری وارد کربلا گردید و پس از توقف کوتاه در میان یاران، فرزندان و افراد خاندان خویش قرار گرفت و سخنانی زیبا و دردناک ایراد کرد که حاکی از اعتقاد راسخ امام به این نکته مهم است که در جامعه ای که در آن منکرات حاکم شده و معروف ها از آن رخت برسته است، برای تحقق امر به معروف و نهی از منکر عالی ترین و برترین جانبازی ها و ایثارها و فداکاری ها نه تنها شایسته بلکه واجب است.

امام در اواخر حکومت معاویه در منی خطبه بسیار مهمی خطاب به علما ایراد نموده اند که به خطبه امر به معروف و نهی از منکر مشهور است. امام در این خطبه انتظارات خود را از علمای دین تشریح می کند، در عین ایجاز و اختصار عوامل انحطاط یک جامعه دینی را مورد تحلیل قرار می دهد و به ریشه یابی آفات و آسیب های متوجه به عالمان دین می پردازد. ایشان در این خطبه به تفصیل نگرانی ها دغدغه ها و انتقادات خود را از علمای دین در عصر خود باز می گوید و در انتها اهداف چهارگانه قیام خود را ابراز می دارد.

امام در ابتدای این خطبه به نکته بسیار مهمی اشاره می کند: خداوند با امر به معروف و نهی از منکر به عنوان فریضه ای الهی آغاز کرده است چه او آگاه است که اگر این فریضه انجام گیرد و اقامه شود، فرایض دیگر اعم از آسان و دشوار بر پا می گردند. چرا که امر به معروف و نهی از منکر دعوت به اسلام است با باز ستاندن حقوق مظلومان و ستمدیدگان و مخالفت با ستمگر. آری از نظر امام تحقق سایر فرایض از قبیل نماز، حج، جهاد و ... که منجر به تحقق معنویت، عدالت و عقلانیت در جامعه می شود منوط به اجرای اصولی امر به معروف و نهی از منکر می باشد.